

نویسنده: ویجی پراشاد (Vijay Prashad)
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2019-10-15»
برگردان: پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

مجمع صندوق بین المللی پول درواشنگتن از تحمیل های که در سراسر سیاره ایجاد میکند ناشنوا است

**the IMF convene in washington, Deaf to the suffering it
causes across the planet**

آنچه که مردم جهان میخواهند برای شان روشن باشد: کنترل دموکراتیک اقتصاد آنها است؛ اما صندوق بین المللی پول در راه آنها با ادامه موقف خود ایستاده است
**what the people of the world wants it clear: Democratic control
of their economies .the international Monetary Fund (IMF)
continues to stand in their way**



مردی در طی تظاهرات با همبستگی با مردم اکوادور در سفارت اکوادور در «14 اکتبر» 2019 در سن سالوادور، السالوادور، علامتی را علیه صندوق بین المللی پول در دست دارد. (عکس: کامیلو آزادمن / آفرومیا / گتی ایماژ)

هر سال هیئت مدیره صندوق بین المللی پول (IMF) در دفتر مرکزی خود در واشنگتن دی سی جمع می شود امسال صندوق بین المللی پول تحت رهبری رئیس جدید، **کریستا لینا جورجیووا**، که از خیابان بانک جهانی عبور می کند برای تصاحب این پوست جلسه تشکیل می شود. این پست از **کریستین لاگارد** همانطور که اتفاق می افتد، **لاگارد** در حال آماده شدن برای عبور از اقیانوس اطلس برای تصاحب بانک مرکزی اروپا است. یک بازی از صندوق های موسیقی در بالا وجود دارد. به نظر می رسد تعداد انگشت شماری از بوروکرات ها در این کارها مشاخره می کنند.

صندوق بین المللی پول در طول « 40 سال گذشته ، برنامه مشا بهی راداشته است: یعنی که اطمینان حاصل کند که کشورهای در حال توسعه به قوانین جهانی سازی که توسط کشورهای پیشرفته سرمایه داری تعیین شده اند ، پایبند باشند. حاکمیت این کشورها در حال توسعه بی ربط است یعنی ضرور نیست که حاکمیت این کشورها مد نظر صندوق بین المللی پول باشد ، زیرا دولتهایشان باید به فشارهای صندوق بین المللی پول بر سیاست های مالی و پولی و همچنین برنامه تجارت و توسعه آنها پیوسته باشد هر تلاشی برای شکستن هدایات ارتودوکسی صندوق بین المللی پول با تحریم های شدید صورت می گیرد ، از جمله صندوق بین المللی پول در قبال طلبکاران بین المللی مبنی بر عدم قرض دادن به کشوری که آنها تعیین می کنند ، یک مأموریت است. وجوه فقط در صورت پذیرفتن برنامه و یا شرایط کامل سیاست های توسعه یافته برای آنها نه توسط نمایندگان مجلس ، بلکه توسط اقتصاددانان صندوق بین المللی پول در واشنگتن ، D.C ، به کشورهای مضطرب منتقل می شود.

کشورهای که در این چهار دهه به صندوق بین المللی پول رفته و یا وابسته شده اند در خیابان های این کشورها آتش در گرفته است مبنی بر اینکه صندوق بین المللی پول بر جمعیت این کشورها به اجبار ریاضت را تحمیل و یا اعمال کرده است آنچنانیکه در دهه (1980) این خیزش ها را بنام (شورش های صندوق بین المللی پول) خوانده اند تا جایکه برای همه مردم واضح بود که سیاست های صندوق بین المللی پول به مردم ناامیدی را برانگیخته تا که به خیابان ها بروند و شورش برپا کنند و نامی که به همچو شورش داده اند کاملاً دقیق بوده و تاکید باید بر صندوق بین المللی پول باشد نه بر خود شورشها که مشهورترین این شورش ها در ونزوئلا اتفاق افتاد - کاراکاز در « 1989 » - که روندی را آغاز کرد که **هوگو چاوز** را به قدرت رساند و این انقلاب بولیوی را به وجود آورد. منطقی است که بهار عربی سال « 2011 » را یک شورش از صندوق بین المللی پول بدانیم زیرا این امر با سیاست های ریاضتی صندوق بین المللی پول همراه با افزایش قیمت مواد غذایی تحریک شده است. ناآرامی های فعلی از **پاکستان تا اکوادور** با ید تحت شورش صندوق بین المللی پول قرار گیرد.

صندوق بین المللی پول در پاسخ به این شورش ها با زبان جدیدی برای توصیف همین سیاست های قدیمی استفاده کرده است. ما از "جمع بندی های اجتماعی" و "تعدیل ساختاری 2.0 و سپس" ریاضت انبساطی عجیب" می شنویم. بحث در مورد جنسیت و محیط زیست در صندوق بین المللی پول همه چیز خوب است ، اما اینها صرفاً کلماتی هستند که یک رژیم ریاضت آمیز را تعریف می کنند. مشاوره ماده چهارم صندوق بین المللی پول و مقالات کارمندان صندوق بین المللی پول. زیر لبخند جمجمه قرار دارد - اتکای وحشتناک به سیاست هایی که با کاهش دستمزدها و کوچک شدن بخش دولتی ، با دستبندهای مربوط به هزینه های عمومی و آزاد سازی شرکت ها ایجاد می شود. لفاظی های شیرین هیچ کاری نمی کنند تا چارچوب سیاست سخت گیرانه تر شود.

مردم اکوادور علیه معامله رئیس جمهور مورنو با صندوق بین المللی پول قیام کردند. او مجبور شد به کاهش یارانه سوخت بپردازد. **مورنو** چاره ای نداشت. این اعتراضات اگر او خط را نگه داشت ، به سادگی او را غافلگیر می کردند. اما اکنون **مورنو** باید به صندوق بین المللی پول بازگردد. اگر هنجارهای دموکراتیک حاکم بود ، صندوق بین المللی پول مجبور به احترام به "همه پرسی" مردم اکوادور است.

اما هیچ دموکراسی در صندوق بین المللی پول وجود ندارد. به طبل سرمایه گذار اصلی خود راهپیمایی می کند یاکه میرقصد. در حال حاضر ، ایالات متحده با « 16.52 درصد از سهام رای دهنده بیشترین تعداد آرا را در هیئت مدیره دارد. پس از ژاپن (6.15 درصد) ، چین (6.09 درصد) ، آلمان (5.32 درصد) و پس از آن انگلیس و فرانسه هر کدام 4.03 درصد هستند. طبق "کنوانسیون" ، رئیس صندوق بین المللی پول یک اروپایی است ، اما اروپایی ها صندوق بین المللی پول را کنترل نمی کنند. در سال « 1998 » ، نیویورک تایمز اجازه داد که صندوق بین المللی پول "به عنوان سگ تپ کش خزانه داری ایالات متحده عمل کند." ایالات متحده آمریکا حق وتو موثری در سیاست صندوق بین المللی پول دارد. هنگامی که این افراد مناسب منافع ایالات متحده هستند ، ارتودوکسی صندوق بین المللی پول به حالت تعلیق درآمده است (در مقابل مصر مبارک در سال 1987 و 1991). وقتی ایالات متحده مناسب است که پیچ و مهره های کشور را بگذارد ، دقیقاً همان کاری است که صندوق بین المللی پول انجام می دهد. دموکراسی برای مردم اکوادوری ربط است؛ آنچه مهم است این است که آنها می گویند که در پشت پرده صندوق بین المللی پول ایالات متحده قرارداد دو قبل از آنچه که صندوق بین المللی پول بگوید باید تعظیم گردد. **مورنو** کاهش یارانه ها را پس گرفت. اما این احتمال وجود دارد که او در تاریکی این برش ها را با نام دیگری برگرداند. صندوق بین المللی پول هیچ چیز کمتر از این نخواهد بود.

عواقب ارتودوکسی صندوق بین المللی پول غالباً کشنده است ، که برای **مالاوی** به عنوان یک اپیزودیا یک حادثه ضمنی بسیار دردناک است. در سال 1996 ، کارمندان صندوق بین المللی پول به دولت **مالاوی** فشار آوردند تا شرکت توسعه و بازاریابی کشاورزی خود را به بخش خصوصی واگذار کند. دولت مالاوی ذخایر حبوبات را در اختیار داشت و قیمت فروش حبوبات را در کشور تنظیم می کرد. خصوصی سازی این شرکت در سال 1999 ، دولت **مالاوی** را بدون هیچ وسیله ای برای محافظت از جمعیت خود در صورت بروز حالات اضطراری ، واگذار کرد. بین اکتبر 2001 و مارس 2002 ، قیمت ذرت «جوار» به 400 درصد افزایش یافت. جاری شدن سیل در سالهای 2000-2001 و یک سال خشکسالی ، تولید مواد غذایی در کشور را به دردمس انداخت. تا (3000) مردم از گرسنگی مردند - اما صندوق بین المللی پول اعتراض نکرد. مالاوی مجبور شد به بدهی های خود ادامه دهد. در سال 2002 ، 70 میلیون دلار برای پرداخت خدمات بدهی خود هزینه کرد ، که 20 درصد از بودجه ملی آن بود (بیشتر از هزینه های مالاوی برای بهداشت ، آموزش و پرورش و کشاورزی صرف شده). هیچ راه نجات از طریق مالاوی وجود نداشت ، که بحران غذا تا امروز ادامه دارد. رئیس جمهور مالاوی در آن زمان — **باکیلی ملوزی** گفت: "صندوق بین المللی پول مقصر بحران غذا خوردن است." آنچه در سال 2002 برای مالاوی رخ داد دقیقاً اتفاقی است که برای بسیاری از کشورها افتاد که زیر چاقوی صندوق بین المللی پول قرار گرفتند.

کس در جلسه صندوق بین المللی پول مسئله دموکراسی را مطرح نخواهد کرد ، چه از نظر عملکرد خود صندوق بین المللی پول و چه از نظر روابط صندوق بین المللی پول با کشورهای مستقل جهان. خیابان های اکوادور توافق نامه صندوق بین المللی پول را رد کرد. انتخاب کنندگان آرژانتین نیز طی چند هفته همین کار را انجام می دهند. آیا اکنون فرصتی برای شروع گفتگو در مورد آگرایی بین سیاست صندوق بین المللی پول و دموکراسی وجود دارد؟ درس اصلی این قیامها فقط این نیست که مردم یارانه

سوخت یا ارز پایدار می خواهند. آنچه آنها بیش از هر چیزی می خواهند کنترل دموکراتیک بر اقتصاد خودشان است.

با تقدیم سلام ها «2019-10-16»-